

## سکه‌های اسلامی؛ عاملی برای تداوم هنر نقاشی

\*  
دکتر عباس احمدوند

### چکیده

به رغم تحریم نقاشی در میان مسلمانان - دست کم اهل سنت - این هنر هیچ‌گاه در جهان اسلام فرو نمرد. نگاره‌های قصور، صفحات نخستین کتب عربی و تصاویر حک شده بر سکه‌های اسلامی، از جمله مظاهر تداوم نقاشی در قرون اولیه اسلامی به شمار می‌رود. رواج عمومی تر سکه در میان مردم تأثیری بسزا در تداوم نقاشی اسلامی به جا گذاشت. سکه‌های اسلامی مصور به دست آمده، مانند سکه‌های المقتدر بالله عباسی (حک ۲۹۵ - ۳۲۰ هـ) از نشانه‌های آغاز این جریان است که سرانجام در مکتب نقاشی بغداد به ثمر نشست.

### واژه‌های کلیدی

سکه‌های اسلامی، تصویر بر سکه‌های اسلامی، نقاشی اسلامی، تصویرگری در اسلام، مکتب نقاشی بغداد

## مقدمه

احادیثی به پیامبر بزرگوار اسلام (ص) منسوب است که بنابر آنها خدای تعالی مسلمانان را از تصویر کردن تمائیل نهی کرده و کسی را که بدین کار دست یازد، همشأن قاتلان انبیا و جزو گمراه کنندگان مردمان به شمار آورده است (الطبرانی، ۱۴۰۶: ج ۱۰، ۷۱۱؛ المتقی الهندی، ۱۹۸۹: ج ۴، ۳۰؛ نصر، ۱۳۷۲: ۶۵). صرف نظر از این که تحریم مذکور آنگاه رخ تواند داد که تصاویر مورد پرستش قرار گیرد و تصویر انسان، به تقلیل این آفریده الهی تا حد جسمانی بینجامد (نصر، ۱۳۷۲: ۶۸-۶۹)، بیشتر فقها و محدثان اهل سنت، کمتر متوجه این نکات شده، همان حکم تحریم را تکرار کرده‌اند (الطبرانی، ۱۴۰۶: ۷۱۱؛ نصر، ۱۳۷۲: ۶۵). خاورشناسان نیز این حکم را به معنای ابدی بودن تحریم پنداشته‌اند (نصر، ۱۳۷۲: ۷۳). با این که بنابر آیه ۵۹ سوره مبارکه حشر، یکی از صفات خداوند، مصور بودن است، این رهیافت به نقاشی؛ به ویژه در میان اهل سنت باعث شد، مسلمانان تا مدتها هنر نقاشی را به بوته فراموشی بسپارند، اما این هنر یکسره از میان نرفت و به بقای خویش ادامه داد.

## جلوه‌هایی از تداوم نقاشی اسلامی

رویکرد کراهت جمهور مسلمان به نقاشی (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۱۵۰)، این هنر را به هنر درباری تبدیل کرد و با اغراض سیاسی و علایق خاندانهای حکومتگر پیوند داد (Grube: 1967, vii). از دوران بنی امیه به بعد، رسم شد نقاشان، خلفا را بر تخت یا میان زمین و هوا تصویر کنند و حاکمان دیگر ملل را زیر دست و در کنار آنان به نمایش گذارند. این رویه که تا زمان امپراتوری عثمانی برقرار بود، در واقع می کوشید برتری مسلمانان/دارالاسلام یا خلیفه را بر دیگر سران دنیا

نشان دهد (همان). از این رو، نخستین جلوه تداوم نقاشی را می‌توان بر سقف و دیوارهای کاخهایی چون خرابه المفجر، عمره، المشتی یا جوسق الخاقانی ملاحظه کرد (کونل، ۱۳۶۸: ۱۹؛ تصویر ۱۶ در ص ۶۴؛ وزیری، ۱۳۷۷: ۴۳۶؛ عطار زاده، ۱۳۸۶، "جوسق الخاقانی" و تصویر ص ۳۴۶). در این تصاویر بر ساخته هنرمندان ایرانی و رومی، موضوعهای اصلی همانا رقاصه‌ها، خنیاگران، خلیفه همراه با حکام دیگر ملل و اسب سواری بود (وزیری، همان). اما این رویکرد باعث بالیدن نقاشی نشد و تنها این هنر را در پشت دیوار قصور زندانی کرد و از مردم دور ساخت (همو: ۴۳۵-۴۳۶).

در این میان، برخی نقاشی‌ها بر کتابهای نخستین عربی، چون آغانی، مقامات حریری و نظایر آن نیز در رواج مجدد نقاشی سهمی بسزا داشت؛ لیکن ضمن تأکید بر نقش کتب عربی در این زمینه، باید یادآوری کرد که ملاحظه شواهد تاریخی نشان تواند داد که از زمان نقاشی بر دیوار قصور خلفای اموی و گاه عباسی تا ورود هنر نقاشی به کتب نخستین عربی (به ویژه در مکتب نقاشی بغداد)، مرحله‌ای بس مهم وجود دارد که می‌توان آن را مرحله تصویرگری بر سکه‌های اسلامی نامید. از این رو، ناگزیر به بیان روند ضرب سکه در میان مسلمانان می‌پردازیم تا روشن شود از چه زمانی و چگونه تصویر بر آن وارد شده است.

**ضرب سکه‌های عربی اسلامی؛ ویژگی‌ها و مسایل آن**  
پیش از اسلام، عرب از خود سکه‌ای مستقل نداشت و آنچه در دادوستد به کار می‌برد، همان درهم ایرانی، بیشتر عرب - ساسانی بود (البلاذری، ۱۹۸۸: ۴۴۹؛ المقریزی، ۱۳۸۷: ۷؛ شمس اشراق، ۱۳۶۹: لوح ۳د). طبیعی بود که این سکه‌ها دارای نقوش و عبارات

داخلی، سادگی امور و نداشتن امکانات بایسته در ضرب سکه، مسلمانان را ناچار ساخت که این مسأله را تا دوران حکومت عبدالملک بن مروان به تعویق اندازند. عبدالملک بعد از غلبه بر مشکلات و از میان برداشتن رقیبان، به عنوان فردی که سیاست عربی سازی دیوان و امور دولتی را به جد گرفته بود، ناگزیر از اصلاح سکه و عربی سازی آن نیز شد (ترابی طباطبائی، ۱۳۵۰: خ، پاورقی ۱؛ الرمضانی، ۱۹۷۵: ۱۲۶؛ احمدوند، ۱۳۸۵: ۹۵-۹۸). اقدامات اصلاح‌گرایانه عبدالملک در امر سکه را می‌توان به دو بخش تقسیم نمود:

۱- وی ابتدا وزن سکه‌ها را یکسان ساخت تا از مخلوط شدن و غش در آنها جلوگیری کند؛ او دراهم و دنانیر دارای اوزان گوناگون را سامان بخشید و وزن هر دینار را حدود ۲۲ قیراط<sup>۱</sup> و وزن درهم را ۱۵ قیراط معین ساخت (البلاذری، ۱۹۸۸: ۴۴۸-۴۴۹؛ المقریزی، ۱۳۸۷: ۱۰ و ۱۳) همچنین با کسانی که در کارسکه غش می‌کردند، یا سکه‌های مسلمانان را به کار نمی‌بردند، با شدت تمام برخورد کرد (برای نمونه نک: البلاذری، ۱۹۸۸: ۴۵۱).

۲- اقدام دیگر عبدالملک، ایجاد تغییرات بنیادین در امر سکه و فراهم آوردن سکه‌ای صددرصد عربی-اسلامی بود.

روایات مربوط به این اقدام، علت تصمیم وی را گوناگون آورده است: روایتی می‌گوید خالد بن یزید بن معاویه بدو اشارت کرد هرکس خدایتعالی را در درهمش (سکه اش) تقدیس کند، عمر دراز می‌یابد (المقریزی، ۱۳۸۷: ۱۱؛ یوسف، د، ۱۴۲۳: ۲۰) اما روایت مشهورتری علت این اقدام وی را مکاتبه خلیفه با ژوستینیان دوم (Justinian) (حک ۶۸۵-۶۹۵؛ ۷۰۵-۷۱۱م) امپراتور روم شرقی (بیزانس) می‌داند. بنابراین

خاص آن ملل باشد (در این باب نک. ترابی طباطبائی، ۱۳۷۳هـ ش: ۶۱-۶۸؛ بیطار، ۱۹۷۷: ۴۵-۴۶ و تصاویر آن). پس از ظهور اسلام نیز، رسول خدا (ص)، در ایام تشریح مجال تغییر در این سکه‌ها را نیافت (البلاذری، ۱۹۸۸: ۴۴۸؛ المقریزی، ۱۳۸۷: همان). چنانکه ابوبکر (حک ۱۱-۱۳هـ) هم به علت کوتاهی ایام زمامداری برای ایجاد تغییر در نقوش سکه‌ها فرصت نیافت (نک، البلاذری، ۱۹۸۸: همان)، لیکن از دوران عمر بن خطاب (حک ۱۳-۲۵هـ) به بعد، برخی والیان خلیفه، یا حتی خود او، به ایجاد تغییراتی در سکه‌ها اقدام کردند. ایشان اندک اندک عباراتی کوتاه، چون نام خلفا، «الحمد لله»، «محمد رسول الله» و «لا اله الا الله» را به همان سکه‌ها و نقوش سابق افزودند (المقریزی، ۱۳۸۷: ۸؛ ترابی طباطبائی، ۱۳۵۰هـ ش؛ بیطار، ۱۹۷۷: ۴۸-۴۹ و ۵۰ و تصاویر آن). در ایام عثمان بن عفان (حک ۲۵-۳۵هـ)، عبارت «الله اکبر» بر این سکه‌ها اضافه گشت (المقریزی: همان) و در روزگار خلافت علی (ع) (حک ۳۵-۴۰هـ) نیز عبارت «ولی الله» بر سکه‌ها، بویژه سکه‌های ضرب سال ۳۷ هـ ری افزوده شد (زیدان، ۱۹۱۶: ۴۹، ۵۸؛ Sauvoire, 1879: 18).

به نظر می‌رسد مسلمانان روزگار خلفای راشدین، جز ابوبکر، با وارد کردن عباراتی هر چند کوتاه بر سکه‌های سابق، در واقع می‌خواستند، حتی المقدور از سکه‌هایی اسلامی و طبعاً هر چه بیشتر موافق با اعتقادات مسلمانی و به دور از اعتقادات مشرکان یا اهل کتاب برخوردار باشند، زیرا بنابر سخن دقیق ابن خلدون (ابن خلدون، ۱۴۱۰: ۲۵۷-۲۶۷)، هر دولت یا حکومتی، از جمله حکومت اسلامی می‌بایست علایم خاص حکومتی خویش را اعم از سکه، طراز و جز آن می‌داشت.

با این همه، دوام روزگار فتوح، بروز نزاعهای

۱۳۸۷: ۱۰)؛ یعنی درست آنگاه که عبدالملک بر مشکلات گوناگون حکومت خویش غلبه یافت و قدرت را به تمامی قبضه کرد.

از سوی دیگر، روایت مدائنی که در بلاذری (۱۹۸۸: ۴۴۹) و ابن خلدون (۱۴۱۰: ۲۶۱) نقل شده است، ضرب نخستین سکه‌های اسلامی را توسط حجاج بن یوسف ثقفی و به امر عبدالملک در سال ۷۵ هـ می‌داند و رواج این نوع سکه‌ها را در دیگر بلاد به سال ۷۶ هـ می‌آورد (البلاذری، ۱۹۸۸: همان؛ ابن خلدون: همان). با این حال، سکه‌های باقیمانده از دوران عبدالملک بن مروان حداکثر به سال ۷۸ هـ باز می‌گردد (سلمان، ۱۹۷۱: ۱۴۸؛ نیز قس. همو، «درهم نادر للخلیفة عبدالملک بن مروان»، مجله سومر، ج ۲۶، ۱۹۷۰؛ یوسف، د، ۱۴۲۳: ۳۷).

البته، این تواریخ متفاوت و وجود سکه‌های سال ۷۸ هـ به بعد را نمی‌توان نشان دهنده اختلاف در روایت یا نبود اتفاق نظر در آغازین سال ضرب سکه‌های عبدالملک دانست، بلکه باید در نظر داشت که عبدالملک و دستیاران او مانند حجاج، گام به گام به سوی ضرب سکه‌های خالص و کامل عربی-اسلامی پیش رفته‌اند، به ویژه آن که در مورد برخی والیان عبدالملک، چون حجاج آمده است که وی خود دراهمی موسوم به «بغلی» را ضرب کرد و حتی بنا بر نقلی ضعیف «قل هو الله احد» یا «قل هو الله هو حجاج» به همراه آیه ۳۳ توبه و یا «بسم الله حجاج» را بر سکه‌های خویش در آورد و بدین ترتیب موجب اعتراض قراء و فقها شد (المقریزی، ۱۳۸۷: الراغب الاصفهانی، ۱۵؛ الکرملی، ۱۴۲۲: ۴۳).

جالب توجه آن که روایات تاریخی اندیشه این طرح سکه‌های اسلامی را به پیشهاد خالد بن یزید بن معاویه (المقریزی، ۱۳۸۷: ۱۱؛ الکرملی، ۱۴۲۲: ۴۱) یا حتی امام

روایات، عبدالملک در آغاز نامه‌ای خطاب به امپراتور، آیه شریفه «قل هو الله احد» را نگاشت و به همراه تاریخ نامه نیز، نام پیامبر (ص) را وارد کرد. امپراتور مسیحی و داعیه دار مسیحیت نیز این عمل را ناپسند دانست و در پاسخ نوشت اگر این کار را رها نکنید و همچنان این عبارت را در نامه‌هایتان به کار برید، نام پیامبران را در دینارها به زشتی خواهیم آورد. این مسأله بر عبدالملک سخت گران آمد، لذا پس از مشورت با افرادی چند، به ضرب سکه اقدام کرد (المقریزی، ۱۳۸۷: همان؛ الکرملی، ۱۴۲۲: ۴۱). این که آیا داستان مکاتبه عبدالملک و امپراتور واقعاً رخ داده است یا خیر؛ یا اینکه عبدالملک نامه‌اش را چنان که آوردیم، آغاز کرده است؛ بحثی است که خود پژوهشی جداگانه می‌طلبد، اما به هر حال این اتفاق یا نقل آن باعث به فکر فرو رفتن عبدالملک در یافتن راه حلی برای تحقق استقلال اقتصادی دولت خویش و عدم نیاز به دیگران شد (قس ۳۹، همان). البته عبدالملک بلافاصله موفق به برآورده ساختن آرزوی خویش در داشتن سکه‌ای کامل و خالص نگردید، بلکه اصلاحات وی در سکه طی مراحل متعدد و به تدریج رخ نمود (الرمضانی، ۱۹۷۵: ۱۲۷).

مقدمترین روایات برجای مانده در باب ضرب سکه‌های اسلامی از آن واقعی است که در **تاریخ طبری و فتوح البلدان** بلاذری، مجال بروز یافته است. طبری به نقل از واقعی، ضرب نخستین سکه عربی-اسلامی را در سال ۷۶ هـ ذکر می‌کند (الطبری، بی-تا: ۲۵۶؛ سلمان، ۱۹۷۱: ۱۴۸)، لیکن بلاذری به نقل از واقعی تاریخ ضرب نخستین سکه را سال ۷۴ هـ می‌آورد؛ همان سالی که وی آن را عام الجماعة می‌خواند و سالی می‌داند که عبدالملک پس از آن بر زیریان غلبه یافته است (البلاذری، ۱۹۸۸: ۴۴۹ و ۴۵۱؛ المقریزی،

آمده است: سطر اول: «الله احدالله»؛ سطر دوم: «الصمد لم يلد»؛ سطر سوم: «ولم يولد» (سوره اخلاص) و در حاشیه آن نیز عبارات «بسم الله ضرب هذا الدينار سنه (كذا)» درج شده است (شمس اشراق، ۱۳۶۹: همان؛ ترابی طباطبائی، ۱۳۵۰: همان؛ الرمضانی، ۱۹۷۵: همان). البته، در برخی از سکه‌ها، مثلاً در سکه‌های مغرب اسلامی اقتباسی از آیه ۳۳ توبه در پشت سکه نقش بسته و به جای آن عبارت «بسم الله...» در حاشیه روی سکه آمده است. در مرکز پشت سکه عبارات باقیمانده سوره مبارکه اخلاص؛ یعنی «و لم یکن له کفوا احد» هم وجود دارد (شمس اشراق: همان). چنانکه در مرکز پشت سکه نیز عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم» وارد شده و در حاشیه آن، بدون ذکر «بسمه»، تنها اطلاعات مربوط به سال ضرب سکه ذکر شده است (الرمضانی، ۱۹۷۵: ۱۲۸). در مورد درهم های نقره عبدالملک نیز که قدیمترین مورد برجای مانده آن متعلق به سال ۷۹ هـ است (رمضانی، پیشین)، در مرکز روی سکه عبارت «لا اله الا الله وحده لا شریک له» و در حاشیه آن عبارت «بسم الله ضرب هذا الدرهم بكذا [ شهر ] سنه [كذا]» حک شده است.

در مرکز پشت سکه نیز «الله احد الله الصمد لم يلد و لم يولد و لم یکن له کفوا احد» و در حاشیه آن اقتباس مشهور از آیه ۳۳ سوره مبارکه توبه وجود دارد؛ با این تفاوت که دایره‌های کوچک یا زنجیره‌ای نیز در این سکه‌ها افزوده شده است (شمس اشراق، ۱۳۶۹: همان؛ الرمضانی، ۱۹۷۵: همان). سکه‌های برنزی (فلس) نیز که کارگاههای ضربشان در سال ۹۰ هـ آغاز به کار کرد، دارای شعار توحید و عباراتی دال بر رسالت پیامبر است (الرمضانی: همان).

چنانکه ملاحظه می‌کنیم، عبدالملک و دستیاران او به خود حق می‌دادند بخشی از آیه یا سوره ای را در

محمد باقر (ع) که در این امر مورد سؤال و مشاوره عبدالملک قرار گرفته بود (شهیدی، ۱۳۷۲: ۲۰۹، به نقل از بیهقی، المحاسن و المساوی، و نقد این روایت در همو، ۲۰۹-۲۱۰؛ المقریزی، ۱۳۸۷: حواشی مصحح، ۶۸-۶۹، شماره ۱۵۰)، می‌دانند. ذکر مشاوره با امام محمد باقر (ع) یا پیشنهاد خالد نشان دهنده آن است که دستیابی به نقش ویژه سکه‌های عربی-اسلامی، پس از تأمل و مشاوره بسیار و گام به گام صورت پذیرفته است؛ چنانکه در نخستین سکه های خود عبدالملک نیز تصویر وجود داشته که بعدها از میان رفته است (بیطار، ۱۹۷۷: ۶۱-۶۳ و ۶۵ و تصاویر آن).

با مقایسه سکه‌هایی که از دوران عبدالملک بن مروان باقی مانده و اکنون در دسترس است، می‌توان عناصر اصلی سکه‌های او را بدین صورت طبقه بندی نمود:

#### ۱- آیات و عبارات قرآنی؛

#### ۲- سال ضرب سکه؛

۳- محل ضرب سکه (احمدوند، ۱۳۸۵: ۲۱۲؛ ضمیمه ۱؛ نیز نک: المقریزی، ۱۳۸۷: ۱۲؛ برای سکه‌های او نک: الشهابی، ۲۰۰۰: ۸۶-۸۷ و ۸۹؛ امیرغیاثوند، ۱۳۷۶: ۱۵؛ ۲۶-۴: Lane.1984: 10-37; Artuk, 1970). در روی این سکه ها و در مرکز آنها چنین آمده است: سطر اول «لا اله الا»؛ سطر دوم: «الله وحده»؛ سطر سوم: «لا شریک له» که بنابر تغییراتی اندک در دینار، درهم یا فلس ها، تغییراتی جزئی در نحوه چیدن عبارات نیز به چشم می‌خورد (یوسف، د، ۱۴۲۳: ۳۸). در حاشیه هم ترکیب «محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون» که اقتباسی است از آیه ۳۳ سوره مبارکه توبه، وجود دارد (شمس اشراق، ۱۳۶۹: ۲۰۰؛ ترابی طباطبائی، ۱۳۵۰: خ؛ الرمضانی، ۱۹۷۵: ۱۲۷). در مرکز پشت این سکه‌ها نیز

ضرب سکه مورد استفاده قرار دهند، یا بر آن آیات مطالبی بیفزایند (مانند عبارت محمد رسول الله در آغاز آیه ۳۳ سوره مبارکه توبه) و یا خود آن آیات را بنابر کوچکی و بزرگی قطر سکه‌ها، کم و زیاد کنند (رمضانی، پیشین). چنان که در سال و محل ضرب سکه‌ها و برخی عبارات جزئی نیز (بنابر شرایط) با یکدیگر تفاوت‌هایی یافت می‌شد (یوسف، د، ۱۴۲۳: ۳۸). با این حال، در تمامی سکه‌ها چند آیه همیشه تکرار شده و حتی در سکه‌های دوره‌های بعد نیز آمده است (المقریزی، ۱۳۸۷: ۱۶؛ یوسف، د، ۱۴۲۳: ۴۶-۵۳؛ احمدوند، ۱۳۸۵: ۲۱۲). نخست آیاتی کوتاه از سوره مبارکه اخلاص است: «الله احد الله الصمد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد». در این آیات شخص ضرب کننده کلمه «قل» را در نقش سکه وارد نمی‌کند، گویی فرمان خدای تعالی را در گفتن «قل» اطاعت کرده است و واقعاً گفته است. ضرب این آیات کوتاه، به معنای تأکید بر شعار توحید و یگانگی خدا و پذیرش آن و نیز نمایانگر رد شعار تثلیث مسیحیان تواند بود (یوسف، د، ۱۴۲۳: ۳۹). دومین مورد آیه ۳۳ / توبه است که در آن عبارت «هو الذی» در آغاز آیه حذف شده و به صورت «محمد رسول الله ارسله...» در آمده است (همان، ۴۶؛ تراپی طباطبائی، ۱۳۷۳: تصاویر صفحات ۶۱-۶۹؛ Lane, ibid؛ Artuk, ibid؛ یوسف، د، ۱۴۲۳: ۴۵).

با نقل و بررسی آرای گوناگون مفسران، تفسیر این آیه چنین است: «خداوند دینش را کامل کرده است، هرچند مشرکان آن را انکار کنند. او پیامبرش محمد (ص) را با دین حق، اسلام، فرو فرستاد تا بر همه ادیان برتری یابد». اگر هم روایت مکاتبه عبدالملک با امپراتور روم را بپذیریم، به نظر می‌رسد یکی از علل ضرب اقتباس آیه مذکور آن باشد که عبدالملک ناچار

است در مواجهه با امپراتور مسیحی بیزانس، بر شعائر توحیدی و اسلامی مسلمانان تأکید ورزد. وی باید رسالت پیامبر (ص) را برای همگان، مسلمان و غیر مسلمان بازگو کند تا بتواند مشروعیت حکومت بر مسلمانان و نبرد و غزو با غیر مسلمانان را به عنوان خلیفه و جانشین همان پیامبر (ص) که رسول عالمیان است، بیابد.

باری عبدالملک که بنا دارد امر دیوان و دولت را عربی سازد (تراپی طباطبائی، ۱۳۵۰: خ، پاورقی ۱؛ احمدوند، ۱۳۸۵: ۹۸)، چاره‌ای جز استعمال کلمات عربی در ماندگارترین سند رسمی حکومتش، سکه، ندارد. او به خوبی می‌داند هیچ نصّ عربی بالاتر و مقبول‌تر از قرآن نیست؛ در عین حال می‌تواند از این کتاب مقدس که پیوسته در معرض انواع برداشت‌ها، تفاسیر و تأویل‌های حتی من‌عندی قرار گرفته است، آیاتی را برگزیند و با توجه به نیازهای سیاسی-تبلیغاتی خویش از آنها بهره‌برداری کند؛ چنان که کمترین فایده اقدام او همان مشروعیت بخشی به حکومت اموی، حافظ جامعه اسلامی نشان دادن خلیفه و توجیه کننده حملات و فتوحات او و دیگر امویان (بویژه فرزندش ولید) است. باید یه خاطر داشته باشیم که عبدالملک با رقبایی چون زبیریان نیز درگیر بوده است که از قضا یکی از آنان، مصعب بن زبیر بود؛ او به امر برادرش عبدالله که مدتی حتی خویش را خلیفه خواند، در سال ۷۰ هـ سکه‌هایی ضرب کرده است. زبیریان سکه‌هایی کوچکتر و مدورتر از سکه‌های پیشینیان ضرب کرده بودند که بر روی آنها عباراتی مانند «برکة الله»، «الله» (البلاذری، ۱۹۸۸: ۴۴؛ ابن خلدون، ۱۴۱۰: ۲۶۱)، «محمد رسول الله» و «امر الله بالوفاء والعدل» (المقریزی، ۱۳۸۷: ۹) حک شده بود، آن هم در شرایط سیاسی که زبیریان سخت نیازمند

مشرعان روبه رو نشد، بلکه حتی برخی خلفای بعد نیز از او تقلید کردند.

در سال ۲۴۱هـ متوکل (حک ۲۳۲-۲۴۷هـ) بر شورشیان بجه که بر سپاهیان مصر تاخته بودند، پیروز شد و ایشان را شکست داد (الطبری، بی تا، ج ۹، ۲۰۳-۲۰۶؛ بیطار، ۱۹۷۷: ۱۱۱ و تصاویر آن). به همین مناسبت سکه‌ای ضرب کرد که در روی آن چهره تا گردن خلیفه با ریشی دراز، کلاه و حاشیه معمول سکه‌های عباسی نمایان است؛ در پشت آن نیز علاوه بر وجود حاشیه‌های معمول مسکوکات، مردی که شتری را می‌کشاند، به چشم می‌خورد (بیطار، ۱۹۷۷: همان). البته نه این سکه و نه سکه‌های مصوری که به بجکم، سردار ترک یا مطیع (حک ۳۳۴-۳۶۳هـ) نسبت داده‌اند (همان: ۱۱۳) به دست نیامده است. وجود انبوهی از سکه‌های اسلامی با طراز اسلامی - قرآنی نیز نشان می‌دهد ضرب تصویر در این ایام چندان همه گیر نشده بوده است، اما به هر حال مسلمانان جایزه و صله بگیر شرکت کننده در مراسمی چون نوروز و مهرگان، اینک می‌دیدند که در دربار خلافت اسلامی، سکه‌هایی ضرب می‌شود که حاوی تصاویر خلیفه و وزیر اوست و دیدن تصاویری این چنین بر مردم عادی می‌گردید.

حتی در زمان مقتدر (حک ۲۹۵-۳۲۰هـ) سکه‌هایی با تنوع بیشتر ضرب شد. در سکه‌هایی بی تاریخ از او که خوشبختانه در دست است (نک: ضمیمه ۳)، خلیفه به صورت چهار زانو نشسته است و جامی در دست دارد. در پشت سکه هم شخصی به همین وضعیت، در حال نواختن عود است (نک: ضمیمه ۲؛ الحسینی، ۱۳۹۴: تصاویر صص ۷۰-۷۲؛ بیطار، ۱۹۷۷: ۱۱۲ و تصاویر آن). نیز درهم دیگری موجود است که در آن خلیفه که نامش به چشم می‌خورد، سوار بر اسب است؛ پشت سکه هم تصویر گاوی وجود دارد که در بالای

وفاداری حجازیان به خود بودند. در این شرایط، عبدالملک نیز باید کاری می‌کرد و بر حق خویش به عنوان خلیفه و تنها مرجع مسلط بر امر سکه تأکید می‌ورزید. این بود که دست به کار شد و سکه‌هایی ویژه ضرب کرد.

### تصویر سکه‌های اسلامی

بنابر مباحث پیشین روشن شد که سکه‌های ضرب مسلمانان ظاهری کاملاً قرآنی داشت و تصویرگری بر آنها تنها مدتی کوتاه از دوران عبدالملک بن مروان روی داد و پس از آن به کارگیری سکه‌های فاقد تصویر تا دوران هارون الرشید (حک ۱۷۰-۱۹۳هـ) دوام یافت. با این حال، هارون الرشید نخستین خلیفه‌ای بود که بر خلاف گذشتگان، نظارت عالی خلیفه را بر عملیات ضرب سکه و دارالضرب به دیگری سپرد (ابن خلدون، ۱۴۱۰: ۲۲۶). همین مطلب باعث روی دادن مسایلی مهم در امر سکه گردید که ضرب سکه‌هایی به نام زبیده، همسر خلیفه از آن جمله است (شما، ۱۴۱۱، ۱۶، ۱۸-۲۶). هارون الرشید، وزیر خویش، جعفر برمکی را که تمایلات شدید ایرانی داشت (W.Barthold, 1960-2002: 1033)، بر کار سکه نظارت داد. جعفر علاوه بر ایجاد تغییراتی در وزن سکه‌ها، تصویر خویش را نیز بر آنها ضرب کرد و در نوروز یا مهرگانی میان مردم تقسیم نمود (الخطیب البغدادی، ۱۴۱۷، ج ۷: ۱۶۷؛ الراغب الاصفهانی، ۱۴۲۰: ج ۱، ۵۸۴، به ویژه اشعار ابوالعتاهیه؛ ۱۱۳/۸۹). به نظر می‌رسد اقدام جعفر در ضرب این نوع مسکوکات به تقلید از پادشاهان ایران پیش از اسلام صورت پذیرفته است؛ با این تفاوت که وی نشانه‌های آیین زردشتی را در سکه‌های خویش وارد نساخت (قس: شمس اشراق، ۱۳۶۹: لوح ۵۳). این اقدام جعفر نه تنها با مخالفت

آن عبارت "المقتدر بالله" حک شده است (بیطار، ۱۹۷۷: ۱۱۲) و تصاویر آن؛ الرمضانی، ۱۹۷۵: تصویر ۱۲، غزال و بالای آن عبارت "الله جعفر"؛ الحسینی، ۱۳۹۴: ۶۶ و تصاویر صص ۷۰-۷۲؛ الرمضانی، ۱۹۷۵: تصویر شماره ۱۱؛ ضمیمه ۲). به نظر حسینی این سکه را دشمنان خلیفه، به منظور اهانت به وی ضرب کرده‌اند (الحسینی، ۱۳۹۴: ۶۶). اما سکه‌هایی دیگری با تصاویری متنوع، موجود در انجمن سکه شناسی امریکا (برای سکه‌های او با تصاویر گاو نر، سوار، خرگوش و امثال آن، نک. سکه‌های شماره: 1917/215/35؛ 1922/211/1؛ 1963/9./1)؛ این نوع سکه‌های مقتدر را پربسامد و دوران ساز می‌نماید.

ضعف فراوان خلافت و ظهور امرایی استقلال طلب باعث شد ایشان بتوانند به پیشینه محلی خود توجه کنند و بسیاری از آنها را در کار حکمرانی، از جمله سکه به کار برند. در این راستا، باید به طور خاص از آل بویه یاد کرد که خود را از نسل ساسانیان می‌پنداشتند و رسوم ایرانی را احیا می‌کردند (برای نمونه، شاهنشاه خوانده شدن عمادالدوله به سال ۳۲۵هـ در همان اوان تسلط آل بویه، النوری، ۱۹۸۴: ج ۲۶، ۱۷۴؛ Miles, 1969: 290؛ Bernburg, 1980: 87)؛ سرافراز، ۱۳۸۳: ۱۹۷ و تصاویر صص ۲۰۱؛ حتی در یک مورد کاملاً کم نظیر، رکن الدوله، امیر بویه، به سال ۳۵۱هـ سکه‌ای ضرب کرده که در آن خویشتن را شاهنشاه خوانده است. رکن الدوله ترجیح می‌داد در این سال که سرانجام پس از مدتها درگیری و تحمل شکست از سامانیان -زیاریان، بر ایشان مسلط شده، تا ساریه (ساری) پیش راند (مسکویه الرازی، ۱۳۸۰- ۱۳۶۶: ج ۶، ۲۳۱؛ ابن الاثیر، ۱۴۰۷، ج ۸، ۵۰۹ و ۵۱۱- ۵۱۲) و پسرش فنا خسرو که لقب عضدالدوله یافت (Miles, 1964: 293)، بدین مهم دست یازد. در این

درهم که به سبک ساسانی در محمدیه ری ضرب شده، رکن الدوله تاج بر سر، با ریشی انبوه بر تخت به چشم می‌خورد (تصاویر صص - 284,294 Miles, 1964: 296؛ Madlung, 1969: 85؛ سرافراز، ۱۳۸۳: تصاویر صص ۲۰۱؛ قس؛ شمس اشراق، ۱۳۶۹: لوح ۳؛ نیز ضمیمه ۳).

به گفته برن برگ، منظور از ضرب چنین سکه‌ای حاوی عبارت "شاهنشاه" که بعدها عضدالدوله نیز از آن تقلید کرد (دینار سال ۳۵۹هـ - 90؛ Bernburg, 1980؛ عضدالدوله، نک: المتنبی، بی‌تا: بیت ۱۰، صص ۵۳۸ و بیت ۱، صص ۵۳۹)، آن بود که رعایای ایرانی و نا آشنا با زبان عربی نیز بتوانند عظمت قدرت این امیرالامرای عباسی و شاهنشاه ایرانی را دریابند (Bernburg, 1980: 90؛ Miles, 1964: 294-295)؛ مضاف بر آن که مشابهت فراوان این نوع سکه‌ها با سکه‌های ساسانی (سرافراز، ۱۳۸۳: ۱۹۷ و تصاویر صص ۲۰۱)، زمینه ساز فعالیت نقاشان ایرانی نیز تواند بود. بی‌دلیل نیست که در این ایام در دارالضرب‌های اسلامی، علاوه بر وجود کارمندی چون مشرف، شاهد، سبک، ضراب، صنایع و مقدم (در باب این کارمندان و کارکنان، نک: ابن حمدون، ۱۹۸۱، ج ۱: ۵ و ۱۰؛ Ehrenkreutz, 1954: 515)؛ از اشتغال نقاش هم در دارالضرب‌ها مطلع می‌شویم (Ehrenkreutz : ibid) که تصاویر را بر سکه‌ها مرتسم می‌کردند (قس: ابن خلدون، ۱۴۱۰: ۲۶۱). باری هنر تصویرگری بر روی سکه‌ها، در عصر بویه مراحل ترقی بسیاری را درنوردید و راه را برای افتتاح رسمی مکتب نقاشی بغداد گشود.

#### مکتب نقاشی بغداد

در قرن پنجم تصویرگری انسان و حیوان بر سکه‌ها به



برخوردار نبود؛ اما نقاشی به عنوان هنری بشری و موافق با طبع انسان، از هر امکانی برای رشد و بالندگی خویش بهره‌مند گردیده است. در کنار تأثیر مکاتب نقاشی بر سکه‌های اسلامی، سکه نیز سودمندی تصویر را به همگان اثبات کرد و نشان داد که تصویرگری - مخصوصاً در سده‌های بعد - الزاماً به معنای بت و صنم پرستی نیست. از این رو آهسته آهسته مردمان به نقاشی به عنوان هنری خدوم توجه کردند و بخشهایی از مهمترین دستاوردهای بشری چون سکه و کتاب عرصه هنر آفرینی نقاشان شد.

#### پی‌نوشتها

۱- قیراط نیم دانگ، تقریباً به وزن ۴ جو.

#### منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن الاثیر، عز الدین. (۱۹۸۷/۱۴۰۷). **الکامل فی التاریخ**، تحقیق محمد یوسف الدقاق و ابوالفداء عبدالله القاضی، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولى.
- ۳- ابن حمدون، محمد بن الحسن. (۱۹۸۴/۱۹۸۱). **التذکرۃ الحمدونیة**، تحقیق احسان عباس، معهد الانماء العربی، بیروت: الطبعة الاولى.
- ۴- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۰). **مقدمه**، افست انتشارات استقلال، تهران: الطبعة الاولى.
- ۵- احمدوند، عباس. (۱۳۸۵). **ولایتعهدی در خلافت اموی و عصر اول عباسی (۵۶ - ۲۳۲ هـ)**، تهران: پایان نامه دکتری، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.
- ۶- امامی، طهران. (۱۳۶۶-۱۳۸۰). **دار سروش للطباعة و النظر، الطبعة الاولى**، ۱۹۸۷ - ۲۰۰۲م.
- ۷- امیر غیاثوند، محبوبه (تهیه و تنظیم). (۱۳۷۶). **نگاهی به پیشینه داد و ستد، بانک و بانکداری و نشر**

نقطه اوج خود نزدیک شد (بیطار، ۱۹۷۷: ۱۰۴-۱۰۵) و تصاویر ص ۱۰۵). چون کاربرد نقاشی بر سکه‌ها پربسامدتر گردید، اندک اندک نقاشان در جستجوی مجال‌های تازه در هنر آفرینی برآمدند. یکی از این مجال‌ها، مکتب نقاشی در بغداد بود که با مشخصات خاص خود (الرمضانی، ۱۹۸۸: ۱۶۲-۱۶۳)، کتب عربی را عرصه هنر آفرینی خویش ساخت. مقایسه کهنترین آثار برجای مانده از این مکتب، چون تصاویر کتاب ماتریا مدیکای (Materia Medica) دیسکوریدس (وزیری، ۱۳۷۷: ۴۳۷)؛ تصویری از جلد هفده اغانی، به سال ۶۱۴هـ (الرمضانی، ۱۹۸۸: تصویر شماره ۷)؛ تصویری از یک کتابخانه کهن در مقامات حریری، به سال ۶۳۵هـ (Sheila, 1999:215 و تصویر آغازین) و نسخه‌ای از مقامات حریری که ریچارد اتینگهاوزن به سال ۱۹۶۰ در استانبول یافت، نشان می‌دهد علاوه بر تصویرگری صحنه‌های گوناگون زندگی چون گل و بوتسه (Grube, 1967: 106-107)، پرندگان (ibid: 108)، مسجد و منبر (ibid: 109)، جزایر شمالی (همو: ibid: 131)، درخت و برج (ibid: 114 - 115)، اسب (ibid: 117) و به بعد؛ وزیری، ۱۳۷۷: ۴۳۸-۴۳۹)، مهمترین موضوع مورد عنایت هنرمندان این مکتب، همانا تصویرگری از چهره انسان بوده است (Grube, 1967: 96 - 101, 104 - 105؛ بیطار، ۱۹۷۷: ۱۰۴-۱۰۵ و تصاویر ص ۱۰۵)؛ موضوعی که در سکه‌های مصور از زمان مقتدر به بعد، پیوسته مورد توجه نقاشان این نوع سکه‌ها بوده و به نظر می‌رسد تجارب این دسته از نقاشان در مکتب نقاشی بغداد به بار نشسته است.

#### نتیجه

تصویرگری در میان پاره‌ای از مسلمانان از اقبال خوبی

- اسکناس در ایران، تهران: انتشارات اداره کل موزه های بنیاد مستضعفان و جانبازان.
- ۸- البلاذری، ابو الحسن احمد بن یحیی بن جابر. (۱۹۸۸). فتوح البلدان، دارومکتبه.
- ۹- بيطار، الیاس. (۱۹۷۷). تطور الكتابات و النقوش على النقود العربية من الجاهلية حتى العصر الحديث، دار المجد للطباعة و النشر، الطبعة الاولى، دمشق.
- ۱۰- ترابی طباطبائی، سید جمال. (۱۳۵۰ه.ش). «سکه‌های شاهان اسلامی ایران»، موزه آذربایجان، نشریه ش ۵.
- ۱۱- همو، وثیق، منصوره. (۱۳۷۳). سکه‌های اسلامی ایران از آغاز تا حمله مغول، تبریز: انتشارات مهد آزادی.
- ۱۲- الحسینی، محمد باقر. (۱۳۹۴). «دینار عباسی نادر»، مجله المورد، المجلد ۳، العدد ۱، صص ۶۵ - ۷۶.
- ۱۳- الخطیب البغدادی، ابوبکر احمد بن علی. (۱۴۱۷). تاریخ بغداد، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولى.
- ۱۴- الراغب الاصفهانی، الحسین بن محمد. (۱۴۲۰). محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلغاء، بیروت: دار ارقم بن ابی ارقم، الطبعة الاولى.
- ۱۵- الرمضانی، عبد الواحد. (۱۹۷۵). «المسكوكات الفضية العباسية فی مجموعة مركز البحوث الأثرية و الحضارية لجامعة الموصل»، مجلة آداب الرافدين، ج ۶، صص ۱۲۱-۱۵۶.
- ۱۶- \_\_\_\_\_ (۱۹۸۴). «التصوير على المسكوكات الاسلامية»، مجلة آداب المستنصرية، المجلد ۱۰، صص ۴۹۷ - ۵۱۷.
- ۱۷- \_\_\_\_\_ (۱۹۸۸). «تأثيرات مدرسة بغداد فی التصوير على المسكوكات الارتقية المصورة»، مجلة آداب الرافدين، ج ۱۸.
- ۱۸- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۹). کارنامه اسلام، تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم.
- ۱۹- زیدان، جرجی. (۱۹۱۶). «النقود العربية القديمة (القسم الاول)»، فی نقود الارتقيين و الأتابکيين و الأيوبيين، قاهره: مجلة المقتطف، ج ۴۹، جولای- دسامبر.
- ۲۰- سرافراز، علی اکبر و آورزمانی، فریدون. (۱۳۸۳). سکه های ایران، از آغاز تا دوران زندیه، تهران: سمت.
- ۲۱- سلمان، الدكتور عیسی. (۱۹۷۱). «اقدام درهم معرب للخليفة عبد الملك بن مروان» مجلة سومر، ج ۲۷.
- ۲۲- شما، سمیر. (۱۹۹۱/۱۴۱۱). «مسكوكات السيدة زبيدة»، مجلة اليرموك للمسكوكات، منشورات جامعة اليرموك، قسم التاريخ، المجلد الثالث، العدد الاول؛ صص ۱۳ - ۲۸.
- ۲۳- شمس اشراق، ع. (۱۳۶۹). نخستین سکه های امپراتوری اسلام، اصفهان: دفتر فرهنگی استاک.
- ۲۴- الشهابی، قتیبة. (۲۲۰۰۰). نقود الشام، دراسة تاريخية للعملات التي كانت متداولة في الشام، دمشق: منشورات وزارة الثقافة، ۲۰۰۰م.
- ۲۵- شهیدی، سید جعفر. (۱۳۷۲). تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ چهاردهم.
- ۲۶- الطبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن ایوب. (۱۴۰۶/۱۹۸۵). المعجم الكبير، تحقیق و تخریج حمدی عبدالحمید السلفی، الطبعة الثانية، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

هنرهای مصور، تهران: انتشارات هیرمند، چاپ چهارم.  
۳۸- یوسف، د. فرج الله احمد. (۱۴۲۳هـ/۲۰۰۳م).  
الآیات القرآنية على المسكوكات الاسلامية، الرياض:  
دراسة مقارنة، مركز الملك فيصل للبحوث و الدراسات  
الاسلامية، الطبعة الاولى.

39. Artuk, Ibrahim and Cevriye Istanbul, (1970), Arkeoloji muzeleri teshirdeki Islami sikkeler katalogu, Hazirlayanlar, Istanbul: Istanbul Arkeoloji muzeleri Numizmalari, milli Egitim Basimevi.
40. Sheila S. Blair and Jonathan M.Bloom, (1999), "Art and Architecture, Themes and Variations", in The Oxford History of Islam, Edited by John L.Esposito, Oxford University Press.
41. Bernburg, Lutz.R, (1980), "Amir – Malik – Shahanshah, Adud ad daula's Titulature re-examined", in Iran, Vol XIII, pp.83-102.
42. Grube. Ernest J, (1967), Introduction to Islamic Painting, in Islamic Painting from American Collections, Catalogue and Notes by Ernest.J, Grube and others, Syracuse University, Newyork.
43. Ehrenkretz, Andrew.s(1954), " Contributions to the knowledge of fiscal administration of Egypt in the middle ages" in BSOAS, vol.116, no.3, pp.502 – 212.
44. W. Barthold / D.Sourdel, art "Baramika" in Encyclopaedia of Islam, 2nd edition, E.J.Brill, 1960 – 2002, Leiden.
45. Lane - Poole, Stanley, 1984, catalogue of the collection of Arabic -coins preserved in the khedivial library in Cairo, al Arab book shop, Cairo.
46. Madelung, Wilferd, Jan-Oct, 1969, "

۲۷- الطبری، ابی جعفر محمد بن جریر (بی تا). تاریخ الامم و الملوك، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارسویدان.

۲۸- عطار زاده، عبدالکریم. (۱۳۸۶). "جوسق الخاقانی"، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۱، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، زیر نظر غلامعلی حداد عادل.

۲۹- الکرملی، الاب انستاس. (۱۴۲۲هـ/۲۰۰۱م). رسائل فی النقود العربية و الاسلامیة و علم النمیات، القاهرة: مکتبة الثقافة الدینیة، الطبعة الثانية.

۳۰- کونل، ارنست. (۱۳۶۸). هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، تهران: توس، چاپ سوم، ۱۳۶۸.

۳۱- المتقی الهندی، علی بن حسام الدین. (۱۹۸۹م). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، مؤسسة الرسالة.

۳۲- المثنی، احمد بن الحسین. (بی تا). دیوان، بیروت: دار صادر.

۳۳- مسکویه الرازی، ابوعلی، تجارب الامم، حقه و قدم له ابوالقاسم.

۳۴- المقریزی، تقی الدین احمد بن علی (۱۳۸۷/۱۹۶۷م). النقود الاسلامیة المسمی بشذور العقود فی ذکر النقود، تحقیق و اضافات محمد السید بحرالعلوم، منشورات مکتبة الحیدریة و مطبعتها فی النجف، الطبعة الخامسة، ۱۳۸۷هـ/۱۹۶۷م.

۳۵- نصر، سید حسین. (۱۳۷۲). «مبانی هنر معنوی» مجموعه مقالات، تهران: دفتر مطالعات دینی هنر، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.

۳۶- النوبیری، شهاب الدین احمد بن عبدالوهاب. (۱۹۸۴). نهاية الارب فی فنون الادب، تحقیق محمد فوزی العنتیل، مراجعة محمد طه الحاجزی، القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب.

۳۷- وزیری، علی نقی. (۱۳۷۷). تاریخ عمومی

- pp.283 – 293.
48. Sauvoire, Henri, (1879 – 1887), *Materiaux pour servir á la Histoire de la Numismatique et de la metrologie musulmans*, Journal Asiatique , Paris.
49. American Numismatic Society, [www.amnumsoc.org](http://www.amnumsoc.org)
- The Assumption of the title Shahanshah by the Buyids and the reign of the Daylam", in *Journal of Near Eastern Studies*, vol 28, pp.84 – 108.
47. Miles, George c.(1964), " A Portrait of the Buyid prince Rukn al-Dawlah", in *American Numismatic Society Museum Notes*, Vol 11,



لوح رقم (۳)



لوح ۳ د  
طرح سکه‌ی عرب ساسانی

وزن: ۳ تا ۲/۴۰ گرم

